

بررسی و نقد کتاب تاریخ فلسفه راتلج؛ ج. ۴

سیدمصطفی شهرآیینی*

چکیده

در مقاله‌ی پیش‌رو - چنان‌که از عنوانش پیداست - می‌خواهیم به معرفی، نقد و بررسی ترجمه‌ی فارسی جلد چهارم از دوره‌ی ده‌جلدی تاریخ فلسفه راتلج با عنوان رنسانس و عقل‌باوری سده‌ی هفدهم بپردازیم. نگارش این اثر را جمعی از برجستگان و صاحب‌نظران طراز اول دانشگاه‌های دنیا درباره‌ی دوره‌ی نوزایی و عقل‌گرایی برعهده دارند و سرویراستار این مجلد نیز اسپینوزاشناس معروف، پارکینسون است. این اثر را انتشارات راتلج به سال ۱۹۹۳ منتشر کرده و در سال ۱۳۹۲ نیز حسن مرتضوی آن را به فارسی درآورده و انتشارات پویه‌نگار وظیفه‌ی نشر آن را عهده‌دار شده است. نویسنده قصد دارد در مقدمه‌ی مقاله، نخست معرفی اجمالی از این دوره‌ی ده‌جلدی و ویژگی‌های آن به دست داده و در ادامه، مجلد چهارم از این مجموعه را معرفی کند و جایگاه این اثر را در میان آثار مشابه در زبان فارسی را نشان دهد. سرانجام پیش از ورود به بخش اصلی مقاله، مترجم کتاب به اجمال معرفی می‌شود. نقد و بررسی ترجمه‌ی فارسی این اثر که بخش اصلی مقاله را به خود اختصاص می‌دهد، در دو بخش صوری و محتوایی تنظیم شده که نخست از جنبه‌ی صوری و شکلی به نقد و ارزیابی می‌پردازیم و در بخش دوم، ترجمه را از منظر محتوایی و تخصصی بررسی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: تاریخ فلسفه، حسن مرتضوی، پارکینسون، نوزایی، عقل‌گرایی، اصطلاحات فلسفی، فارسی‌نویسی.

* دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه تبریز، m-shahraeini@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۱۲

۱. مقدمه

بایسته است پیش از نقد و بررسی ترجمه‌ی فارسی جلد چهارم تاریخ فلسفه‌ی راتلج^۱، در مقدمه به چند نکته بپردازیم؛ نخست معرفی کوتاهی از این دوره‌ی ده‌جلدی تاریخ فلسفه ارائه می‌کنیم و سپس می‌کوشیم تا مجلد چهارم این دوره یعنی *The Renaissance and Seventeenth-century Rationalism* را به‌اجمال به خوانندگان بشناسانیم و سرانجام، با اشاره‌ای کوتاه به شرح حال علمی مترجم اثر، آقای حسن مرتضوی مقدمه را به پایان برده و به‌سراغ اصل مطلب، یعنی نقد و بررسی ترجمه‌ی فارسی این اثر برویم.

۱.۱ معرفی دوره‌ی ده‌جلدی تاریخ فلسفه راتلج

این دوره ده‌جلدی را انتشارات راتلج به‌سال ۱۹۹۳ با سرویراستاری جی. اچ. آر. پارکینسن و اس. جی. شنکر منتشر کرده است که به‌ترتیب عناوین هر مجلد و ویراستار آن را در زیر می‌آوریم:

- از آغاز تا افلاطون به ویراستاری سی. سی. دلیو. تیئر
- فلسفه‌ی یونانی‌مآبی و اوایل قرون وسطی به ویراستاری دیوید فیورلی
- فلسفه‌ی قرون وسطی به ویراستاری جان مارنن
- دوره‌ی نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم به ویراستاری جی. اچ. آر. پارکینسن
- فلسفه‌ی بریتانیایی و عصر روشن‌اندیشی به ویراستاری استورات براون
- عصر ایده‌آلیسم آلمانی به ویراستاری کاتلین هیگینز و رابرت سی. سولومون
- فلسفه در قرن نوزدهم به ویراستاری س. ال. تین
- فلسفه‌ی قاره‌ای در قرن بیستم به ویراستاری ریچارد کیپرنی
- فلسفه‌ی علم، منطق و ریاضیات در قرن بیستم به ویراستاری استورات جی. شنکر
- فلسفه‌ی معنا، معرفت و ارزش در قرن بیستم به ویراستاری جان وی. گنفیلد.

۲.۱ برجستگی‌ها و کاستی‌های این تاریخ فلسفه

پیش از ورود به مبحث برجستگی‌ها و کاستی‌های این تاریخ فلسفه، شاید بهتر باشد سخن را با با ترجمه‌ی مطلب کوتاهی بیاغازیم که سرویراستاران این مجموعه در آغاز هر مجلد در معرفی این دوره‌ی ده‌جلدی آورده‌اند:

تاریخ فلسفه‌ی راتلج بررسی وقایع نگارانه‌ای را از فلسفه غرب از آغاز تا عصر حاضر به دست می‌دهد و هدف از نگارش آن، این است که همه‌ی جریان‌های مهم فلسفی به دقت مورد بحث قرار گیرد و به همین لحاظ، بیش‌تر به افرادی پرداخته‌ایم که، به‌اعتراف همگان، فیلسوفان بزرگ به‌شمار می‌آیند. اما چهره‌های کوچک‌تر نیز از قلم نیفتاده‌اند و امیدواریم که خواننده بتواند در این تاریخ ده‌جلدی، دست‌کم اطلاعات اصلی مربوط به هر فیلسوف مهم گذشته و حال را بیابد. تفکر فلسفی بریده از دیگر فعالیت‌های انسانی رخ نمی‌دهد، و در این تاریخ کوشیده‌ایم تا فیلسوفان در بستر فرهنگی، و به‌ویژه علمی روزگارشان قرار گیرند. (Parkinson & Shanker, 2003: iix-ix).

۱.۲.۱ برجستگی‌ها

شاید در معرفی این دوره بتوان به چند ویژگی برجسته در آن اشاره کرد که در دیگر تاریخ فلسفه‌های موجود در زبان فارسی کم‌تر به چشم می‌خورد^۱ یا اصلاً نیست:

۱. برخلاف دیگر تاریخ فلسفه‌ها که در آن‌ها تنها یک نویسنده، نگارش درباره همه فیلسوفان و فلسفه‌ها را بر عهده دارد، در تاریخ فلسفه‌ی پیش‌رو، تقسیم کار کاملی صورت گرفته است و حوزه‌های تخصصی به‌دقت از هم جدا شده و نگارش فصل مربوط به هر فیلسوفی به متخصص برجسته و طراز اول همان فیلسوف سپرده شده است. این دقت نظر تا جایی است که درباره فیلسوفان بزرگ و دوران‌ساز، دو متخصص در دو فصل جداگانه دست به قلم برده‌اند تا حق مطلب چنان‌که باید گزارده آید.

۲. نشان‌ویژه این تاریخ فلسفه این است که در آن تنها به زبان توصیف و شرح دیدگاه‌های فلسفی بسنده نشده و در جای‌جای فصول متعدد، شاهد آنیم که نویسنده بسیاری از پیش‌پنداشته‌های رایج در میان اهل فلسفه و در دیگر تاریخ فلسفه‌ها را به‌چالش گرفته و از موضعی منحصر به‌فرد وارد بحث و تحلیل می‌شود تا جایی که شاید بتوان گفت خواننده در هر فصل خود را به‌نوعی شاهد رویارویی زنده‌ی نویسنده‌ی هر فصل با فیلسوف مورد بحث می‌یابد و از این ره‌گذر هم فلسفه می‌آموزد هم فلسفه‌ورزی را.

۳. خواننده در کنار مطالب تازه عمومی و تاریخی، با مجموعه‌ای از مقالات انتقادی و تخصصی در سطحی بسیار بالا روبه‌رو می‌شود که به ترتیب تاریخی کنار هم قرار گرفته‌اند و به این لحاظ نه‌تنها برای دانش‌جویان کارشناسی فلسفه و علاقه‌مندان به فلسفه و تاریخ

اندیشه جذابیت دارد، برای دانش جویان تحصیلات تکمیلی و حتی برای استادان حوزه فلسفه نیز مطالب تازه و خواندنی بسیاری دارد.

۴. هر مجلد از این تاریخ فلسفه با جدول گاه‌شماری در آغاز همراه است که در چهار ستون جداگانه — شامل روی داده‌های مربوط به چهار حوزه‌ی: الف) فلسفه، ب) علم و فناوری، ج) هنر و د) سیاست و دین — تنظیم شده و به خواننده این امکان را می‌دهد تا با نگاهی اجمالی به این جدول، تصویری کلی از فضای فکری-فرهنگی حاکم بر دوره‌ی مورد بحث در هر مجلد را در ذهن خود ترسیم کند.

۵. هر مجلد از این تاریخ فلسفه با اصطلاح‌نامه‌ای از واژگان فنی و تخصصی پرکاربرد در حوزه‌ی مورد بحث به پایان می‌رسد. در این بخش، ویراستار هر مجلد می‌کوشد اصطلاحات را به زبانی روشن و در چند سطر برای خواننده بازنماید تا خوانش متن هرچه آسان‌تر و بحث‌های تخصصی هرچه فهم‌پذیرتر گردد.

۶. در پایان هر فصل خواننده نخست خود را با پی‌نوشت‌های تفصیلی و بسیار دقیق و راه‌گشای نویسنده روبه‌رو می‌بیند و پس از اتمام پی‌نوشت‌ها، کتاب‌شناسی تفصیلی متناظر با تمام عناوین اصلی و فرعی مطرح در آن فصل در پیش روی خواننده قرار می‌گیرد که بر ارزش تحقیقی کار بسیار افزوده است. این کتاب‌شناسی شامل: ۱) آثار عمومی؛ ۲) ویراست‌های زبان اصلی و دو زبانه؛ ۳) ترجمه‌های انگلیسی آثار؛ و ۴) متون فرعی و حاشیه‌ای است.

۲.۲.۱ کاستی‌ها

شاید آنچه در این جا می‌آوریم، به‌خودی‌خود کاستی به‌شمار نیاید ولی وقتی از منظر خواننده‌ی تاریخ فلسفه بدان بنگریم، به‌نوعی آزارنده باشد و کاستی به‌شمار رود:

۱. تفاوت در زبان نوشتاری فصول متفاوت این تاریخ فلسفه که گاه زبانی کاملاً توصیفی است و گاه از همان آغاز تحلیلی است و همه‌ی پیش‌فرض‌های رایج را به‌چالش می‌کشد.

۲. تفاوت در نحوه‌ی ارجاعات و استنادات که در چندی از فصول، تمامی ارجاعات درون‌متنی است و در چندی دیگر از فصول، در تمام فصل یک ارجاع درون‌متنی هم به‌چشم نمی‌خورد و همه‌ی ارجاعات به پی‌نوشت‌ها منتقل شده است (برای نمونه، در جلد

۴ در تمامی فصول ارجاعات به صورت پی‌نوشت آمده است جز فصل ۹ که همه‌ی ارجاعات درون‌متنی است؛ و گاه ترکیبی از این دو سلیقه (برای نمونه در فصل پنجم از مجلد دوم) را نیز می‌بینیم.

۳. تفاوت در نثر انگلیسی و در نحوه‌ی بیان مطالب هر فصل که این مطلب بر ترجمه‌ی فارسی هم بازمی‌تابد و از دست مترجم هم در این زمینه کاری بر نمی‌آید (برای نمونه، فصل مربوط به سیاست ارسطو در جلد دوم که نثری دشوار دارد در حالی که فصل مربوط به لایب‌نیتس در جلد ۴ که نثری بسیار روان و ساده دارد).

۴. تفاوت در نحوه‌ی تنظیم مطالب هر فصل که گاه نویسنده با مقدمه‌ای تاریخی آغاز می‌کند، گاه با بحثی مفهومی و دشوار، و گاه بی‌هیچ مقدمه‌ای وارد بحث اصلی می‌شود. و در ادامه‌ی فصل هم هر نویسنده بسته به سلیقه‌ی خود گاه تقسیماتی فرعی اعمال می‌کند و گاه نویسنده بی‌هیچ عنوان‌بندی اصلی و فرعی از آغاز تا پایان فصل را یک‌نفس به پیش می‌برد.

۵. تفاوت در کتاب‌شناسی‌های پایان هر فصل که از خط‌مشی واحدی تبعیت نشده و خواننده درباره‌ی چرایی آوردن پاره‌ای منابع و نیاوردن پاره‌ای دیگر گاه سردرگم می‌ماند.

۶. به‌رغم نظر سرویراستاران این مجموعه که برآند «مخاطب این تاریخ فلسفه نه فقط متخصصان بلکه خوانندگان عمومی نیز هستند و ما به این منظور کوشیده‌ایم تا مطمئن شویم تک‌تک فصول به‌شیوه‌ای قابل‌فهم نوشته شود» (Parkinson & Shanker, 2003: iix-ix)، در اغلب فصول این تاریخ فلسفه، دانشی نه عمومی بلکه تخصصی و در سطح دانشجویان تحصیلات تکمیلی از حوزه‌ی مورد بحث مفروض است و گاه حتی سطح بحث از این هم بالاتر بوده و فقط برای صاحب‌نظران و متخصصان همان حوزه‌ی خاص قابل‌استفاده است.

۳.۱ معرفی جلد چهارم: رنسانس و عقل‌باوری سده هفدهم

معرفی این مجلد را نیز با آوردن فرازی از مقدمه‌ی ویراستار این مجلد می‌آغازیم:

فلسفه مورد بحث در این مجلد، دوره‌ای سیصد و پنجاه‌ساله، از نیمه‌های سده چهارده تا سال‌های آغازین سده هجده، یعنی زایش فلسفه جدید، را دربرمی‌گیرد. مباحث اصلی شامل فلسفه نوزایی و عقل‌گرایی سده هفدهم — به‌ویژه دکارت، اسپینوزا و لایب‌نیتس — است. کتاب حاضر منحصر به همین جنبش‌ها نیست بلکه آن‌ها در فضای نظری گسترده‌تری مورد

بررسی قرار می‌گیرند. تفکر مدرسی که فلسفه نوزایی با آن در تعامل بود و نیز تفکر فیلسوفان سده هفدهم مانند بیکن، هابز و گاسندی که گرچه عقل‌گرا نبودند، تفکرشان واکنش‌هایی را در عقل‌گرایان برانگیخت، در مدنظر قرار می‌گیرد. مبحث مهم ظهور علم جدید در سده‌های شانزده و هفده، و روابط آن با فلسفه این دوره نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. مجلد پیش‌رو مقدمه جامع عالمانه‌ای بر این دوره و نیز پاره‌ای تفسیرهای اصیل درباره فیلسوفان این دوره را در اختیار دانش‌جویان فلسفه و رشته‌های مرتبط قرار می‌دهد. هم‌چنین، جدول گاه‌شماری شامل روی‌دادهای فلسفی، علمی و دیگر وقایع فرهنگی، و اصطلاح‌نامه‌ای از واژگان فنی را در خود دارد.

حال، نظر به این‌که در بخش‌های ۱-۲-۱ و ۱-۲-۲، به تفصیل درباره‌ی برجستگی‌ها و کاستی‌های این دوره‌ی ده‌جلدی سخن گفتیم، در این جا می‌کوشیم با رعایت اختصار، تنها به آوردن ویژگی‌های (برجستگی‌ها و کاستی‌های) جلد چهارم رنسانس و عقل‌باوری سده‌ی هفدهم بسنده کنیم:

۱.۳.۱ برجستگی‌های کتاب

۱. شاید برجسته‌ترین ویژگی که در همان آغاز به مطالعه‌ی این کتاب توجه خواننده‌ی ژرف‌بین را به خود می‌کشانند، مقدمه‌ی مفصل و بسیار عالمانه‌ای است که ویراستار این مجلد بر این کتاب نوشته و شاید بهتر باشد بگوییم بیش از آن‌که فقط یک مقدمه باشد، فصلی است مستقل و در حد معرفی انتقادی کتاب که با تسلط و احاطه‌ی کامل به‌نگارش درآمده و خواننده را در جریان کامل مطالب کتاب قرار می‌دهد.

۲. در این کتاب فلسفه‌ی دوران نوزایی و عقل‌گرایی در پیوند با هم مطرح شده و تلاش بر این بوده تا از منظری نو به موضوع نگرینسته شود. دو فصل آغازین به فلسفه دوران نوزایی اختصاص یافته است. در بحث از دوره‌ی نوزایی، نزاع‌های مطرح میان متفکران دوره‌ی نوزایی بر سر جانب‌داری از افلاطون یا ارسطو، و دوری یا نزدیکی آنها به سنت مسیحی به تفصیل مطرح شده، شکاکیت و گونه‌های مختلف آن مورد بحث قرار گرفته، به نهضت ترجمه‌ی دوباره‌ی متون یونانی به زبان لاتینی توسط اومانیست‌ها اشاره شده است و حتی گاه‌وبی‌گاه اشاراتی را به سنت فلسفه‌ی اسلامی و مواجهه‌ی فیلسوفان دوره‌ی نوزایی با این سنت شاهد هستیم. با این دو فصل زمینه‌سازی بسیار خوبی فراهم آمده است تا خواننده بسیاری از دیدگاه‌های فیلسوفان بزرگ سده‌ی هفدهم را در بستر شکل‌گیری آنها

دریابد و تفکر فلسفی را در قالب پیوستار واحدی ببیند که تنها در تداوم گذشته است که می‌توان آن را درست فهمید.

۳. بحث علم و ریاضیات در این مجلد در فصلی جداگانه و در پیوند با تفکر فلسفی این دوره به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. این فصل دو امکان را در اختیار خواننده می‌گذارد؛ یکی این که به نقش ریاضیات در پیش‌برد علم در سده‌ی هفدهم پی می‌برد، و دوم این که به پیوند وثیقی که میان علم و فلسفه در این دوران وجود داشته واقف می‌گردد.

۴. از سنت رایج در دیگر تاریخ فلسفه‌هایی که در زبان فارسی می‌شناسیم، پی‌روی نشده و برای نخستین بار فرانسیس بیکن و تامس هابز و گاسندی در این تاریخ فلسفه در پیوند با عقل‌گرایان مورد بحث قرار می‌گیرند.

۵. در پرداختن به عقل‌گرایان، به فیلسوفان و سنت‌های فکری‌ای توجه شده که در زبان فارسی، یا کم‌تر مطرح شده‌اند یا تقریباً نامی از آن‌ها به میان نیامده است؛ برای نمونه در فصل مربوط به دکارت به روش‌شناسی و فلسفه طبیعی دکارت توجه خاصی شده، در فصل مربوط به اسپینوزا فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی او در پیوند با هم مطرح و تصویری کلی از اوضاع سیاسی هلند آن روزگار ارائه شده و از کسانی مانند ولتهویسن (Lambertus van Velthuysen)، یوهان و پیترو دلاکورت (Johan and Pieter de la Court) سخن به میان آمده است. در فصل مربوط به موقع‌گرایی (occasionalism)، پیش از پرداختن به مالبرانش، پیشینه‌ی کاملی از این جریان ارائه می‌شود و به اندیشه‌های کسانی مانند لوئیژ دلافورژ (Louis de La Forge)، ژرو د‌کوردموی (Geraud de Cordemoy) و آرنو خولینکس (Arnold Geulincx) اشاره می‌شود و مکتب موقع‌گرایی در پیوند با اندیشه‌های دکارت و لایب‌نیتس مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲.۳.۱ کاستی‌های کتاب

۱. به نظر می‌رسد در کتابی که عنوان «رنسانس و عقل‌باوری سده‌ی هفدهم» را بر خود دارد، باید فصلی جداگانه به مبحث روش و روش‌شناسی اختصاص داده می‌شد. زیرا چنان‌که می‌دانیم سده‌ی هفدهم به سده‌ی روش معروف است و در دوره‌ی نوزایی نیز آنچه نشان‌ویژه‌ی اغلب اندیشه‌مندان آن دوره است، توجه به روش است. البته در هر فصلی به این مبحث پرداخته شده ولی بهتر بود فصلی جداگانه به آن اختصاص داده می‌شد.

۲. شاید بی‌جهت نبود اگر در همان آغاز کتاب و پس از فصول مربوط به رنسانس فصلی جداگانه هم به شکاکیت اختصاص می‌یافت و بسترهای احیای شکاکیت باستان و مکاتب دوران یونانی‌مآبی مورد کاوش قرار می‌گرفت.

۳. شاید بهتر بود به پاسکال هم البته نه در فصلی جداگانه بلکه در ذیل یکی از فصول پرداخته می‌شد و نسبت او هم با سنت عقل‌گرایی مورد بحث قرار می‌گرفت.

۴. شاید بی‌مناسبت نبود اگر به لایب‌نیتس هم مانند دکارت و اسپینوزا در دو فصل جداگانه پرداخته می‌شد و دو متخصص یکی درباره‌ی منطق و دیگری درباره‌ی مابعدالطبیعه‌ی وی به بحث می‌پرداختند. همین کاستی سبب شده است تا خواننده‌ی متخصص تفاوت سطح را در فصل مربوط به لایب‌نیتس نسبت به فصول قبلی آشکارا احساس کند.

۴.۱ معرفی مترجم کتاب

این کتاب را حسن مرتضوی یکی از پرکارترین مترجمان سال‌های اخیر در ایران ترجمه کرده است. این مترجم بیشتر به ترجمه‌ی آثار مارکسیستی پرداخته و از او تاکنون نزدیک به پنجاه ترجمه در دست است. از جمله مهم‌ترین ترجمه‌های مرتضوی می‌توان به ترجمه سرمایه؛ نقدی بر اقتصاد سیاسی و دست‌نوشته‌های اقتصادی-فلسفی ۱۸۴۴ از خود مارکس اشاره کرد. تازه‌ترین کار گسترده‌ی این مترجم، ترجمه‌ی چهار جلد از دوره‌ی ده‌جلدی تاریخ فلسفه‌ی راتلج است که البته مجلد دوم را آقای علی معظمی به فارسی برگردانده است.^۳

۲. نقد، بررسی و ارزیابی ترجمه فارسی جلد ۴ تاریخ فلسفه راتلج: رنسانس و عقل‌باوری سده هفدهم

۱.۲ نقد و بررسی صوری و شکلی

در معرفی ترجمه‌ی فارسی نیز باید از اینجا شروع کنیم که ناشر اصلی ترجمه‌ی فارسی این دوره‌ی ده‌جلدی تاریخ فلسفه راتلج، انتشارات چشمه است ولی یکی دو مجلد را ناشران دیگری منتشر کرده‌اند که از جمله همین جلد چهارم است که نقد و بررسی آن موضوع مقاله‌ی کنونی است. این مجلد را «انتشارات پویه‌نگار» به سال ۱۳۹۲ منتشر کرده است.^۴ این ترجمه در قطع رقعی و با جلد سخت (گالینگور) در ۷۲۸ صفحه^۵ منتشر شده است. بر

روی جلد طراحی مبهمی از چهره‌ی اسپینوزا بر زمینه‌ای روشن نقش بسته و در پشت جلد هم ترجمه‌ی معرفی کوتاهی از سرویراستاران درباره‌ی دوره‌ی ده‌جلدی تاریخ فلسفه به چشم می‌خورد و بعد هم، عنوان ده جلد و ویراستاران هر کدام، به ترتیب آمده است. کتاب از ابتدا شامل یک صفحه‌ی عنوان دوره‌ی ده‌جلدی تاریخ فلسفه‌ی راتلج، پشت صفحه سفید، یک صفحه عنوان جلد چهارم رنسانس و عقل باوری سده‌ی هفدهم به هم‌راه نام ویراستار «ج. اچ. آر. پارکینسون» و نام مترجم «حسن مرتضوی» و یک صفحه اطلاعات مربوط به شناسنامه‌ی کتاب و مشخصات ناشر است و متن اصلی از صفحه‌ی ۵ با «فهرست» آغاز می‌شود که در زیر مندرجات کتاب را به ترتیب فهرست می‌آوریم:

- توضیحی درباره‌ی جلد چهارم
- پیش‌گفتار ویراستاران اصلی
- درباره‌ی نویسندگان
- گاه‌شماری
- مقدمه/ ج. اچ. آر. پارکینسون
- فلسفه‌ی رنسانس ایتالیایی/ جیل کرای
- فلسفه‌ی رنسانس خارج از ایتالیا/ استیوارت براون
- علم و ریاضیات از رنسانس تا دکارت/ جورج مولاند
- فرانسیس بیکن و قلمرو دوجهی انسان/ آنتونیو پرز راموس
- دکارت: روش‌شناسی/ استفن گائوک‌روجر
- دکارت: متافیزیک و فلسفه‌ی ذهن/ جان کاتینگ‌هم
- ماتریالیسم سده‌ی هفدهم: گاسندی و هابز/ ت. سورل
- اسپینوزا: متافیزیک و شناخت/ ج. اچ. آر. پارکینسون
- فلسفه‌ی اخلاقی و سیاسی اسپینوزا/ هانس و. بلوم
- سبب‌سازانگاری/ دیزی رادنر
- لایبنیتس: حقیقت، شناخت و متافیزیک/ نیکولاس جولی
- واژه‌نامه
- نمایه

۱.۱.۲ ظاهر کتاب شامل طرح جلد و مطالب پشت جلد و قطع کتاب

بہتر است نقد صوری کتاب را از همان طرح روی جلد بی‌آغازیم. چنان‌که در معرفی اولیه کتاب آوردیم، طرح جلد طراحی مبہمی است از اسپینوزا کہ نہ گویای عنوان کامل کتاب، *رئسانس و عقل باوری سدهی ہفدہم* است و نہ بر ہمہی عقل گرایان دلالت دارد. البتہ بہ فرض ہم کہ تصویر اسپینوزا را برای این طرح روی جلد مناسب بدانیم، این طراحی از چہرہی اسپینوزا در چنان زمینہی محوی قرار گرفتہ کہ حتی برای اہل فلسفہ ہم دقتی لازم است تا تشخیص دهند کہ این طرح اولیه، تصویری است از اسپینوزا. در اصل انگلیسی این کتاب، عنوان «تاریخ فلسفہ راتلج، جلد چہارم» با قلم ریز و عنوان اصلی کتاب یعنی *رئسانس و عقل باوری سدهی ہفدہم* درشت تر حروف چینی شدہ است کہ بہ نظر می‌رسد باید در چاپ فارسی ہم ہمین قاعدہ رعایت می‌شد تا خوانندہ در همان نگاہ نخست، عنوان اصلی کتاب را ببیند. در حالی کہ این درست برعکس است؛ یعنی «تاریخ فلسفہی راتلج» درشت و تیرہ و عنوان اصلی کتاب *رئسانس و عقل باوری سدهی ہفدہم*، ریز حروف چینی شدہ است. در عطف جلد نیز عنوان بہ ہمین صورت آمدہ با این تفاوت کہ بہ جای جلد چہارم، عدد ۴ جداگانہ حروف چینی شدہ و عنوان ناشر «پویہ نگار» نیز بر آن درج شدہ است.^۶

در پشت جلد ہم چنان کہ آوردیم، ترجمہی معرفی کوتاہی از سرویراستاران دربارہی دورہی دہ جلدی تاریخ فلسفہ بہ چشم می‌خورد و بعد ہم، عناوین دہ جلد و ویراستاران ہر کدام بہ ترتیب آمدہ است. شاید بہتر بود بعد از معرفی کوتاہ کل دورہ، مطلبی ہم در معرفی ہمین مجلد پیش رو از متن اصلی انتخاب می‌شد. توقع خوانندہ فارسی زبان متون ترجمہ‌ای بر این است کہ عنوان لاتینی اثر و نام پدیدآورندہ در پشت جلد درج شدہ باشد کہ چنین نیست و تقریباً در هیچ جای این ترجمہ، عنوان کامل اثر بہ زبان اصلی نیامدہ است مگر در شناس نامہی کتاب کہ فقط عنوان مجلد چہارم *The Renaissance and 17th Century* *rationalism* را با قلمی ریز می‌یابیم.

پیش از ورود بہ نقد صوری و شکلی متن اصلی، بی‌مناسبت نیست اگر بہ قطع رقعی کتاب و صحافی آن نیز اشارہ کنیم. بہ نظر می‌رسد برای کتابی در این حجم، قطع وزیری مناسب تر باشد و خواندن کتاب و تورق آن را آسان تر کند. صحافی کتاب و بُرش صفحات کتاب نیز اصلاً مناسب نیست و کتاب خوش دستی را در اختیار خوانندہ نمی‌گذارد.^۷

۲.۱.۲ نقد صوری و شکلی مندرجات ترجمه از آغاز تا پایان

اطلاعات مربوط به شناس‌نامه‌ی کتاب، درباره‌ی جلد یک تا چهار از این دوره‌ی ده‌جلدی است، به‌گونه‌ای که نام سه ناشر، دو مترجم و چهار کتاب در آن به چشم می‌خورد. همین امر خواننده را سرگردان می‌کند که چرا مطالبی در شناس‌نامه‌ی کتاب هست که ربطی به مجلد پیش روی او ندارد. بهتر بود یا فقط اطلاعات مربوط به شناس‌نامه‌ی جلد چهار را در این بخش می‌گنجانیدند یا اگر هم لازم بوده که اطلاعات هر چهار جلد چاپ‌شده در این مجلد بیاید، اطلاعات مربوط به هر جلد به تفکیک می‌آمد، تا خواننده از این حیث سردرگم نشود. در ادامه، می‌کوشیم به‌جای بررسی موردی ایرادات صوری آن‌ها را در ذیل چند دسته کلی، و برای هر کدام، نمونه‌هایی را از کتاب بیاوریم:

۱. نبود ویراستار ادبی یا صوری: شاید با نگاهی به این اثر ده‌جلدی که هر مجلد، ویراستاری جداگانه دارد و برای کل دوره هم دو سرویراستار وظیفه‌ی ویرایش متون را بر عهده داشته‌اند، نخستین کاستی بزرگ به لحاظ صوری، عدم حضور ویراستاری کاربلد است که ترجمه را از آنچه در ادامه بحث و در چندین مورد می‌آوریم، بپیراید و ناهم‌خوانی‌های آشکاری را که در رسم‌الخط، در ضبط اسامی اشخاص و آثار و در نحوه‌ی تنظیم پی‌نوشت‌ها به چشم می‌خورد، برطرف سازد.

۲. ناهم‌خوانی فهرست مندرجات ترجمه با فهرست مندرجات متن اصلی: در فهرست مندرجات متن اصلی، پس از مقدمه‌ی سرویراستار کتاب، فصول متعدد کتاب با شماره‌گذاری از ۱ تا ۱۱ مشخص شده‌اند و همین شماره‌گذاری در آغاز هر فصل نیز با عنوان CHAPTERS 1-11 درج شده است. در فهرست مندرجات ترجمه‌ی فارسی این شماره‌گذاری حذف شده، در حالی که به‌پیروی از متن اصلی، فصول یازده‌گانه کتاب با شماره از ۱ الی ۱۱ در بالای صفحه‌ی آغازین هر فصل درج شده است. این کار سبب شده است تا تأکیدی که در فهرست مندرجات متن اصلی بر روی فصول یازده‌گانه در مقام متن اصلی کتاب بوده و به خواننده نیز کمک می‌کرده است تا شروع و پایان فصول اصلی کتاب را با شماره‌گذاری از ۱ تا ۱۱ متوجه شود، در فهرست مندرجات ترجمه‌ی فارسی از میان برود.

۳. استفاده از واژگان بیگانه در ترجمه: مترجم محترم واژگان انگلیسی متعددی را مانند modern (ص. ۳۷، ب. ۲، س. ۶؛ ص. ۳۹، ب. ۲، س. ۱ و ۳)،^۱ renaissance (در عنوان روی جلد و در عناوین فصول ۱ و ۲؛ در صص. ۳۳ تا ۳۵ حدود ۲۰ بار)، technique (ص.

۱۰، ب. ۲، س. ۷)، object (ص. ۳۹، ب. ۲، س. ۷)، idea (ص. ۱۴، ب. ۱، س. ۲؛ ص. ۴۱، ب. ۲، س. ۳)، thesis (ص. ۴۴، ب. ۲، س. ۲)، materialism (ص. ۴۸، ب. ۱، س. ۱ و ۲ و ۵ و ۶)، analysis & synthesis (ص. ۵۲ یادداشت شماره ۳۴؛ ص. ۳۲۸، ب. ۱، س. ۱)، arithmetica (ص. ۳۲۹، ب. ۱، س. ۸)، ideal (ص. ۲۸۱، س. ۱۵)، genre (ص. ۵۹، ب. ۲، س. ۸) را به فارسی برگردانده و همان معادل‌های انگلیسی را به رسم‌الخط فارسی درآورده است. در حالی که به نظر می‌رسد برای این واژگان برابری فارسی یا عربی کاملاً گویا و رایجی وجود دارد که بهتر بود از آنها در ترجمه استفاده گردد.^۹

۴. استفاده زیاد از صیغه مجهول در ترجمه: مترجم محترم در ترجمه هرگز از به‌کارگیری صیغه مجهول افعال دست نگه نداشته است و تقریباً در بیش‌تر مواردی که در نثر انگلیسی فعل به صیغه مجهول بوده، او نیز به همان صیغه به فارسی برگردانده است. در حالی که به نظر می‌رسد استفاده از فعل مجهول در نثر فارسی رایج نیست و در متون ادب فارسی، کاربرد افعال در صیغه مجهول کم‌یاب است. برای نمونه، در ص. ۵۹، بند نخست، در ۸ سطر آغازین صفحه، ۵ بار، و در ۶ سطر آغازین ص. ۱۰۴، ۴ بار فعل مجهول آمده است. این کاستی از همه‌جا آشکارتر در دو بندی که در پشت جلد در معرفی دوره‌ی ده‌جلدی برای راهنمایی خواننده فارسی‌زبان آمده، آزارنده است: در این دو بند که حدود ۹ سطر است، مترجم ۹ بار از صیغه‌ی مجهول استفاده کرده که تقریباً در هر سطر، یک‌بار فعل مجهول به‌کار رفته است.

۵. نسبت دادن فعل به فاعل غیرجان‌دار: مترجم محترم به پیروی از نثر انگلیسی متن اصلی که در آن‌جا هیچ محدودیتی در انتساب فعل به فاعل غیرجان‌دار وجود ندارد، در ترجمه نیز از نسبت دادن فعل به فاعل غیرجان‌دار دست نگه نداشته و حتی گاه تعبیر «به‌نظر ...» را که ویژه‌ی آدمی است برای علم جدید به‌کار می‌برد (ص. ۴۶، بند ۲، سطر ۷). در حالی که در نثر فارسی، مگر در متون ادبی که قصد جان‌بخشی به چیزی را داریم، چنین کاری نامعمول و ناپسند است. برای نمونه، می‌توان جمله‌ی آغازین پشت جلد را مثال آورد: «تاریخ فلسفه‌ی راتلج به ترتیب زمانی به بررسی ... می‌پردازد». از این دست نمونه‌ها در ترجمه فراوان است که می‌توان به ص. ۷، بند ۲، سطر ۱ الی ۳؛ ص. ۱۱، بند ۱، سطر ۲؛ ص. ۳۶، بند ۲، سطر ۱؛ ص. ۴۷ سطر ۱

۶. ایراد در ضبط اسامی خاص: در برگردان اعلام به فارسی چند کاستی به‌چشم می‌خورد که هرکدام آن‌ها را در بخشی جداگانه می‌آوریم:

الف) مترجم در ترجمه‌ی عناوین آثار شناخته‌ی فیلسوفان، در جای جای ترجمه ضبط‌های ناهم‌گون و متفاوتی را آورده که خواننده را سردرگم می‌کند. برای نمونه، عنوان اثر جیان فرانچسکو پیکو را در ص. ۲۰ بررسی بیهودگی آموزه‌های مشرکان و در ص. ۱۰۳ بررسی سترونی آموزش کافران و حقیقت آموزه‌ی مسیحی ترجمه کرده است. در ص. ۲۵ نام اثری از گاسندی را تکالیف متناقض علیه مکتب ارسطویی^{۱۰} ترجمه کرده در حالی که همین اثر را در ص. ۴۱۴ به تمرین‌هایی پارادوکسیکال علیه ارسطوئیان برگردانده است. اثر معروف دکارت که نامش بر هر دانش‌جوی فلسفه‌ای آشناست، در ص. ۲۶ گفت‌گو درباره‌ی روش، در ص. ۴۲ گفتارهایی درباره‌ی روش، در ص. ۳۰۶ گفتار در روش، در ص. ۳۳۱ گفتار درباره‌ی روش، و در ص. ۳۳۶ گفتاری درباره‌ی روش ضبط شده است. همین مطلب درباره‌ی ضبط آثار بیش‌تر فیلسوفان از جمله بیکن، اسپینوزا، هابز و دیگران نیز صدق می‌کند.^{۱۱}

ب) مترجم گاه عناوین آثار فیلسوفان را به‌صورتی نامتعارف آورده که خواننده را در فهم مطلب به دشواری می‌اندازد؛ در زیر نمونه‌هایی را با ضبط رایج آن‌ها می‌آوریم:

- تئولوژی که همان اتولوجیا است (ص. ۱۰۸، ب. ۲، سس. ۸ و ۱۱).
- نوسازی بزرگ که همان احیای کبیر است (ص. ۲۶۱، ب. ۲، س. ۲).
- پاسخ به ایرادات که همان اعتراضات و پاسخ‌ها است (ص. ۳۷۱، ب. ۱، س. ۴).
- مجموعه فلسفه که همان جامع فلسفه است (ص. ۴۲۱، ب. ۱، س. ۱۸).
- رساله‌ای درباب تصحیح عقل و رساله‌ای کوتاه‌که همان رساله‌ی اصلاح فاهمه و رساله‌ی مختصره است (ص. ۴۷۰، ب. ۱، س. ۱).
- گفت‌وگوهای افلاطون که همان محاورات افلاطون است (ص. ۸۵، ب. ۱، س. ۱۲).
- گفتار درباره‌ی متافیزیک که همان گفتار در مابعدالطبیعه است (ص. ۶۴۲، ب. ۲، س. ۲).
- طبیعیات کوچک و مکانیک که همان قراضه طبیعیات و علم‌الحیل است (ص. ۹۷، ب. ۲، س. ۹).
- عواطف نفسانی که همان انفعالات نفس است (ص. ۳۸۷، ب. ۱، س. ۶).

ج) در ترجمه در مواردی با ضبط نادرست اسامی خاص رویه‌رو می‌شویم که بسیار آزارنده است؛ در زیر نمونه‌هایی را با ضبط درست آن‌ها می‌آوریم:

- الکساندر آفرودیسی که همان اسکندر آفرودیسی است (ص. ۹۸، ب. ۱، سس. ۲ و ۳).
- گئورگ تربیزوند که همان جورج اهل طرابوزان یا جورج طرابوزانی است (ص. ۹۸، ب. ۲، س. ۱۰).
- آرنولد که همان آرنو است (ص. ۳۴۱، س. ۱۲).
- فیلیپوس که همان فیلیپوس است (ص. ۹۲، ب. ۱، س. ۵).
- دیوژن لائرتیوس که همان دیوگنس لائرتیوس است (ص. ۴۲۱، ب. ۱، س. ۱).
- نبرد آگین کورت که همان نبرد آجینکورت یا آژنکور^{۱۲} است (ص. ۱۶، ردیف ۲ جدول گاه‌شماری).

د) به نظر می‌رسد باید در ضبط اسامی خاص، ملیت و زبانی را که آن اسم متعلق به آن است، اصل بگیریم در حالی که مترجم تقریباً در بیش تر موارد، بی‌هیچ قاعده‌ای و بنا به سلیقه‌ی خویش اسامی را ضبط کرده است؛ مثلاً *Stuart* را که نامی انگلیسی و مشابه *Stewart* یا *Steuart* است استیوارت ضبط کرده در حالی که باید استوارت یا استیوئرت ضبط شود (نام نویسنده‌ی فصل دوم کتاب، ص. ۱۴۵). مثلاً *Antoine Arnauld* را که فردی فرانسوی و معاصر دکارت است، آنتوان آرنولد آورده که جزء اول اسم به فرانسه و جزء دوم را به انگلیسی تلفظ کرده است که باید آنتوان آرنو باشد (ص. ۳۶۹، ب. ۲، سس. ۳ و ۴). نمونه‌هایی از این آشفتگی در ضبط اسامی را که در گاه‌شماری مندرج صفحات آغازین کتاب (۱۵ الی ۳۱) می‌توان یافت، در زیر می‌آوریم:

- نیکلاس کوسایی که باید نیکلا کوزایی باشد
- لورنزو که باید لورنتسو باشد
- برادران لیمبورش که باید بردران لیمبورخ باشد
- یان هوس که باید جان هاس باشد
- کوزیمو که باید کاسیمو باشد
- پومپونازی که باید پومپوناتسی باشد
- آمریکو و سپوچی که باید آمریگو و سپوتچی باشد
- کالوین که باید کالون باشد^{۱۳}

و) مترجم در درج حروف اختصاری مربوط به اسامی نویسندگان مقالات کتاب هم به شیوه‌ی عجیبی عمل کرده است؛ به این معنا که پاره‌ای حروف اختصاری را با تلفظ فارسی و پاره‌ای دیگر را با تلفظ لاتین ضبط کرده است. برای نمونه، G. H. R. Parkinson را ج. اچ. آر. پارکینسون آورده که معلوم نیست چرا حرف G را به صورت فارسی ج. و نه جی. و دو حرف دیگر را به تلفظ انگلیسی آورده است.^{۱۴}

۷. **درج ناقص نمایه‌ها:** در فهرست مندرجات متن اصلی، دو گونه نمایه آمده است: «نمایه نام‌ها» و «نمایه‌ی موضوعات»؛ اما در فهرست مندرجات ترجمه، بی‌هیچ توضیحی، فقط عنوان «نمایه» آمده است. وقتی به بخش «نمایه» در ترجمه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که فقط نمایه‌ی «نام‌ها» یا «اعلام» — فقط نام اشخاص — را دربرمی‌گیرد و «نمایه‌ی موضوعات» یا اصطلاحات از آن حذف شده، بی‌آن‌که مترجم این را در جایی از ترجمه توضیح داده باشد. نخست آن‌که لازم بود این نکته برای خواننده روشن شود که این نمایه فقط شامل نام اشخاص است و دوم آن‌که توضیحی می‌آمد که چرا در کتابی تخصصی در این سطح، نمایه‌ی موضوعی که برای کارهای پژوهشی بس بایسته می‌نماید، حذف شده است.

۲.۲ نقد و بررسی محتوایی

در این بخش نیز به سیاق بخش‌های پیشین، می‌کوشیم مطالب خود را در ذیل چند عنوان دسته‌بندی کنیم.

۱. **نبود مقدمه‌ای از جانب مترجم:** در اثری با این حجم و در این سطح از تخصص، که در متن اصلی آن چند نوشتار مقدماتی درباره‌ی کل دوره‌ی ده‌جلدی، توضیحی درباره‌ی مجلد چهارم و مقدمه‌ای تفصیلی و تخصصی درباره‌ی محتوای کتاب وجود دارد، بی‌گمان بایسته می‌نماید که مترجم نیز به سهم خود در آغاز ترجمه، خواننده را در جریان کار خود قرار دهد. به این معنا که اهمیت کتاب، علت ترجمه‌ی کتاب، جای‌گاه اثر در میان آثار مشابه، و شیوه‌ی کار خود را در برگرداندن متن به فارسی و نکاتی محتوایی و تخصصی که در فهم ترجمه به خواننده یاری می‌رساند، بازگو نماید.^{۱۵}

۲. **نبود ویراستار محتوایی:** در ترجمه‌ی اثری با این حجم و در این سطح از مطالب تخصصی که هر فصل آن را یکی از صاحب‌نظران نوشته، و ویرایش این مجلد را نیز ویراستاری متخصص بر عهده داشته است، انتظار زیادی نیست که دست‌کم ویراستاری

اهل فلسفه و آشنا به این حوزه، ویرایش محتوایی ترجمه را برعهده داشته باشد تا متن را به زبان اهل فن درآورد و متنی در این سطح را از پاره‌ای تعابیر و ترکیبات نامأنوس و اغلب نادرست برای اهل فلسفه مانند «هوش‌های سیاره‌ای» به جای «عقول فلکی» در ترجمه‌ی planetary intelligences (ص. ۷۱۹، بند آخر) و «تشابه» به جای «اصالت موازات» در ترجمه‌ی parallelism (ص. ۷۰۶، ب. ۳) و «نظریه‌ی انطباق حقیقت» به جای «نظریه‌ی مطابقت صدق» در ترجمه‌ی correspondence theory of truth (ص. ۷۰۸، بند ۴) پاکیزه سازد.

۳. ترجمه نادقیق پاره‌ای اصطلاحات: در اینجا نمونه‌هایی از بی‌دقتی در ترجمه را می‌آوریم.

الف) در ص. ۹ سطرهای ۴-۳ در ترجمه‌ی 'a period eye' تعبیر «دیدگاهی متکی بر دوران» آمده که فقط ترجمه‌ی آزادی است از عبارت انگلیسی، غافل از این‌که نویسنده از قراردادن این اصطلاح درون گیومه منظوری دارد، و آن هم روشی تحلیلی است که مورخان هنر آن را به کار می‌برند. این اصطلاح را مایکل بکسندل (۲۰۰۸-۱۹۳۳)، مورخ هنر و متخصص هنر دوران نوزایی در کتابش *نقاشی و تجربه در ایتالیای سده‌ی پانزدهم* وضع کرده و کوشیده است تا بر این اساس شرایط فرهنگی را توصیف کند که آثار هنری دوره‌ی نوزایی در آن شرایط خلق، دیده و فهمیده می‌شده‌اند. او بر آن است که مردمان هر دوره‌ای که در چارچوب فرهنگی خاص رشد می‌کنند، دارای تجربه‌ها و شیوه‌های اندیشیدن مشترکی هستند که بر نحوه‌ی ادراک بصری آنها از تصاویر هنری تأثیر می‌گذارد. با این توضیحات روشن می‌شود که ترجمه‌ی «نگاه دوره‌ای» درست‌تر می‌نماید البته اگر با پاورقی توضیحی درباره‌ی خود این اصطلاح همراه باشد.

ب) شبیه به مورد قبلی را در ص. ۱۰، بند ۲، سطر ۱، نیز می‌بینیم. در این جا نیز اصطلاح 'radical translator' به «مترجم افراطی» ترجمه شده، غافل از این‌که بازهم اصطلاحی است که آن را نخستین بار فیلسوف معاصر امریکایی، کوآین (۲۰۰۰-۱۹۰۸) ابداع کرد. منظور او از این تعبیر، توصیف وضعیت مترجمی است که می‌خواهد زبان کاملاً ناشناخته‌ای را که هیچ نسبتی با زبان خودش ندارد، ترجمه کند. او برای این کار چاره‌ای جز تکیه بر رفتار مشهود کاربران این زبان ندارد. چنین کاری به نظر کوآین، شبیه به معجزه است و نمی‌توان چیزی را دوباره به همان زبان اصلی برگرداند. در این جا هم به نظر می‌رسد باید این اصطلاح را به «مترجم بنیادی» برگرداند و پاورقی توضیحی نیز به متن افزود.

ج) در ص. ۳۴، سطر ۳، اصطلاح *thisness* به «وجه تمایز» ترجمه شده و در پاورقی نیز توضیحی در این باره آمده است مبنی بر این که اصطلاح مزبور، برگردان انگلیسی واژه‌ی لاتینی *haecceity* در قرون وسطی است که دانز اسکوتس آن را وضع کرده است. نخست آن که «وجه تمایز» ترجمه‌ی مناسبی نیست چون می‌تواند بر تمایز مفهومی میان چیزها دلالت کند در حالی که این تعبیر در فلسفه‌ی قرون وسطی و نیز در فلسفه‌ی اسلامی، بر تشخیص بیرونی امور عینی دلالت دارد. دوم آن که گرچه سخن مترجم محترم بر اساس آنچه در فرهنگ‌های لاتین مندرج است، درست است، این اصطلاح را دانز اسکوتس وضع نکرده بلکه همان اصطلاح آشنای «هذائیت» در متون فلسفی اسلامی است که با اندک تغییری در تلفظ، وارد زبان فلسفی قرون وسطائیان شده است.^{۱۶}

۴. ترجمه‌ی نامتعارف از پاره‌ای اصطلاحات: مترجم برای چندی از اصطلاحات رایج برای اهل فلسفه و علوم انسانی، معادل‌های چنان نامأنوسی را آورده که برای خوانندگان گاه از اصل انگلیسی ناشناس تر است؛ در زیر نمونه‌هایی را می‌آوریم:

۱. ترجمه‌ی *the rational soul* به نفس عقلانی یا روح عقلانی و *the non-rational soul* به نفس ناعقلانی به جای ترجمه‌ی آن‌ها به «نفس ناطقه» و «نفس غیرناطقه» در ص. ۴۸ و ۹۲
۲. ترجمه‌ی *'analysis' and 'synthesis'* به دو روش «آنالیز» و «سنتز» به جای دو روش «تحلیل» و «ترکیب» در ص. ۵۲

۳. ترجمه‌ی *orthodoxy* به ارتدکس به جای «راست‌کیشی» یا «سنت» در صص. ۴۵ و ۵۸ که چون در بحث از مسیحیت است، ذهن خواننده را از سنت مسیحیت که منظور نویسنده‌ی متن اصلی است به «آیین ارتدکس» منحرف می‌سازد.

۴. ترجمه‌ی *the eternity of the world* به ابدیت عالم به جای «قدّم عالم» و ترجمه‌ی *the creation of the world* به خلق عالم به جای «حدوث عالم» در سرتاسر دو فصل مربوط به نوزایی (صص. ۵۷ الی ۱۹۶).

۵. ترجمه‌ی *separate substances* به جوهرهای جداگانه به جای «جوهر مفارق» در ص. ۷۳

۶. ترجمه‌ی *the substantial form* به شکل جوهری به جای «صورت جوهری» در موارد متعدد از جمله در صص. ۸۸ و ۶۴۶

۷. ترجمه‌ی *the Mosaic law* به قانون موسایی به جای «شریعت موسی» در ص. ۹۱

۸. ترجمه astrology به ستاره‌شناسی به جای «اختربینی» و astrological به نجومی به جای «مبتنی بر اختربینی» در ص. ۹۶
۹. ترجمه the New World که اصطلاحی خاص بوده و منظور از آن امریکاست، به دنیای نو به جای «ینگه‌دنیا» در ص. ۱۰۰
۱۰. ترجمه Peripatetic به ارسطویی به جای «مشائی» در صص. ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، و ۱۰۸، ۱۰۳
۱۱. ترجمه Christian dogma به جزییات مسیحی به جای «اصول عقاید مسیحی» یا «اعتقادات مسیحی» در صص. ۱۴۵، ۱۰۴، ۹۱ و ۸۵
۱۲. ترجمه simple intuition به شهود ساده به جای «شهود بسیط» در صص. ۳۶۳، ۵۱۰
۱۳. ترجمه Catholicism به کاتولیسم به جای «آیین کاتولیک» در صص. ۱۶۱ و ۴۱۰
۱۴. ترجمه Religion به مذهب به جای «دین» و Religious به مذهبی به جای «دینی»، در عنوان ستون نخست جدول گاه‌شماری در صص. ۱۵، ۴۳، ۶۱، ۶۶ و ۹۰
۱۵. ترجمه Unmoved Mover به حرکت‌دهنده‌ی بی حرکت به جای «محرک نامتحرک» در صص. ۱۰۹، ب. ۲، س. ۴
۱۶. ترجمه earth (از عناصر اربعه) به زمین به جای «خاک» در ص. ۱۰۹
۱۷. ترجمه the outermost sphere of the heavens به خارج از سپهر آسمان‌ها به جای «فلک اقصی» در ص. ۱۱۰
۱۸. ترجمه transubstantiation به استحاله به جای «تبدل جوهری» در ص. ۱۱۲
۱۹. ترجمه 'eternity' در اسپینوزا به ابدیت به جای «سرمدیت» در صص. ۵۰۷ و ۵۰۸
۲۰. ترجمه passions به شهوات به جای «انفعالات» (ص. ۵۳، یادداشت ۳۹) به ویژه در فصل‌های مربوط به دکارت (ص. ۳۸۵) و ترجمه‌ی همین اصطلاح به شوروشوق در هابز در ص. ۴۴۵
۵. نمونه‌ای از ترجمه‌ی نادرست عبارت تخصصی: در این جا نمونه‌ای از خطای مترجم را می‌آوریم که بر اثر قصور در فهم تخصصی متن رخ داده است. مترجم در دومین فصل مربوط به دکارت، «دکارت: متافیزیک و فلسفه‌ی ذهن»، عبارت لاتینی معروف دکارت Cogito ergo sum را در همه‌جا به «می‌اندیشم، پس هستم» برمی‌گرداند و توجهی به ترجمه‌ی انگلیسی نویسنده‌ی متن از این عبارت ندارد که برخلاف دیگر مترجمان دکارت، که عبارت مذکور را به زمان حال ساده یعنی 'I think, therefore I exist' برمی‌گردانند، آن را

به زمان حال استمراری ترجمه می‌کند: 'I am thinking, therefore I exist'. شاید در نگاه نخست، این خطا چشم‌پوشیدنی بنماید اما وقتی به نظر کاتینگم در تفسیر کوگیتو توجه کنیم درمی‌یابیم که استفاده از زمان حال استمراری در ترجمه آن، کلید فهم درست این عبارت است.^{۱۸} برای روشن شدن مطلب، جا دارد نقل قولی را از خود کاتینگم بیاوریم:

با ژرف‌کاوی در عبارت *cogito ergo sum* که ذکرش گذشت، روشن می‌شود که باید در ترجمه انگلیسی درست واژگان *cogito/je pense* که در بحث دکارت از یقینش درباره وجود خویش ظاهر می‌شوند، به جای زمان حال ساده «می‌اندیشم»، زمان حال استمراری «دارم می‌اندیشم» را به کار برد. زیرا آنچه مرا از وجود مطمئن می‌سازد واقعیتی ایستا و بی‌زمان درباره من نیست مبنی بر اینکه من کسی هستم که می‌اندیشد، بلکه این واقعیت است که من همین الان سرگرم اندیشیدن هستم و تا این اندیشیدن تداوم دارد، وجود تضمین می‌شود. چنان‌که خود دکارت بعدها در تأمل دوم می‌آورد که: «من هستم، من وجود دارم، این امری یقینی است، اما تا کی؟ تا زمانی که دارم می‌اندیشم»^{۱۹} و در اصل هفتم از بخش نخست اصول نیز می‌گوید: «تناقض است که فرض کنیم آنچه می‌اندیشد، در همان زمانی که دارد می‌اندیشد، وجود ندارد.» (کاتینگم، جان، ۱۳۹۲: ۷۶-۷۷)^{۲۰}

۶. عدم احاطه تخصصی مترجم بر محتوای کتاب: واپسین نکته که شاید آزارنده‌ترین چیزی باشد که از حیث محتوایی در ترجمه به چشم می‌خورد، اشتباهات فاحش در ترجمه‌ی پاره‌ای اصطلاحات تخصصی و نام فیلسوفان و آثار فلسفی است^{۲۱} که نشان از عدم‌اشراف مترجم بر تاریخ فلسفه به‌طور عام و بر دوره‌ی نوزایی و جریان عقل‌گرایی به‌طور خاص دارد. در پیشینه‌ی فکری مترجم محترم نیز هیچ مطلبی که توجیه‌کننده‌ی ترجمه‌ی اثری در این سطح و در این موضوع تخصصی از جانب ایشان باشد، به چشم نمی‌خورد.^{۲۲}

۳. نتیجه‌گیری

ترجمه متون علوم انسانی سهل و ممتنع است؛ یعنی برای آن‌که با این کار آشنایی ندارد و از بیرون بدان می‌نگرد کاری است بس آسان و گاه مبتذل و برای آن‌که دستی در آن دارد کاری است دشوار و توان‌فرسا که بیش از آن‌که تخصص به‌شمار آید، هنر است و ظرافت‌هایی دارد که در دل کار آشکار می‌شود. حال اگر متن مورد نظر، فلسفی باشد ظرافت کار بیش‌تر است و هنرمندی بیش‌تری می‌طلبد. به‌نظر می‌رسد در ترجمه‌ی متن فلسفی اولین و

مهم‌ترین شرط بعد از برخورداری از دانش زبانی لازم از زبان مبدأ و مقصد، داشتن تخصص در حوزه‌ی متن فلسفی است که قرار است به زبان فارسی درآید. این تخصص دو جنبه دارد: یکی آن‌که باید فیلسوف و مکتب فلسفی مورد نظر را بشناسیم و از عهده‌ی فهم مطالب فلسفی برآییم؛ و دوم آن‌که دانش‌واژه‌های آن فیلسوف را به زبان اصلی خوب بدانیم و برابری رابج در میان اهل فلسفه در ایران را برای فارسی‌سازی آن‌ها بلد باشیم. افزون بر این باید به اختلاف نظر میان اهل فلسفه در برابری فارسی برای هر دانش‌واژه نیز واقف باشیم تا از عهده‌ی انتقال مطلب به مخاطبان متخصص برآییم.

حال اگر سخن از ترجمه‌ی تاریخ فلسفه‌ی ده‌جلدی راتلج در میان باشد که از آغاز تا انجام فلسفه را در خود گنجانیده، و هر مجلد را حدود ۱۰ نفر از بزرگ‌ترین و سرشناس‌ترین استادان فلسفه در دنیا نوشته‌اند، نخستین چیزی که به ذهن می‌رسد این است که چنین کار سترگی را باید گروهی از مترجمان زبردست که هم در ترجمه دستی دارند و هم در فلسفه بر عهده گیرند و بسته به تخصص‌شان تقسیم کار صورت گیرد. البته اگر آرمانی بیندیشیم، باید چهره‌ای کاربلد و سرشناس که در میان اهل فلسفه، در حوزه‌ی ترجمه‌ی متون فلسفی از حسن شهرت کافی برخوردار است، ویراستاری صوری و محتوایی این مجموعه را بر عهده گیرد و در یک‌دست‌سازی دانش‌واژه‌ها، ضبط درست و یک‌سان اسم‌های خاص، نام آثار و مکان‌ها متن را هرچه ویراسته و پیراسته نماید. البته برای ترجمه کاری در این سطح و حجم، ناشر نیز باید در مشخصات ظاهری مجلدات گوناگون سلیقه‌ی واحدی را اعمال نماید و در کیفیت چاپ دقت لازم را به خرج دهد. و این‌ها همه که گفتیم آرزوهایی بود که باید در ترجمه این دوره‌ی ده‌جلدی، به‌ویژه جلد چهارم راتلج با عنوان *رسانس و عقل‌باوری سده‌ی هفدهم* که این نوشته به نقد آن اختصاص دارد، تحقق می‌یافت که کم‌تر به چشم می‌خورد. اما اگر جانب انصاف را نگه‌داریم باید به آقای حسن مرتضوی و یکی‌دو همکار ایشان در ترجمه این دوره، دست‌میزاد گفت که دست به چنین کار سترگی زده‌اند و به اهل فلسفه و فرهیختگان فارسی‌زبان گنجینه‌ای داده‌اند که هیچ اهل علوم انسانی از خواندنش بی‌نیاز نیست. نگارنده‌ی این نقد به‌سهم خویش، زحمت ایشان را ارج می‌نهد و قدر می‌داند.

پی‌نوشت‌ها

۱. گفتنی است که همین کتاب با عنوان دوره‌ی نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم با ترجمه‌ی نگارنده‌ی مقاله‌ی پیش‌رو در سال ۱۳۹۱ توسط انتشارات حکمت و با همکاری موسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه منتشر شده است.
۲. دوره‌ی دوجلدی *تاریخ فلسفه شرق و غرب* نوشته‌ی هیئت نویسندگان زیر نظر رادا کریشنان و *تاریخ فلسفه در اسلام* زیر نظر م. م. شریف و *تاریخ فلسفه اسلامی* زیر نظر سیدحسین نصر و الیور لیمن نمونه‌ای از این دست تاریخ‌فلسفه‌ها در زبان فارسی است.
۳. با وجود تلاش فراوان برای دسترسی به شرح‌حال معتبری از آقای مرتضوی که شامل زندگی فکری ایشان باشد، شوربختانه توفیقی حاصل نیامد و آنچه در این مختصر آوردیم از جست‌وجوی در اینترنت به دست آورده‌ایم. البته کوشیدیم از طریق دوستی مشترک از خود آقای مرتضوی برای این امر کمک بگیریم که ایشان چندان تمایلی به این کار نداشتند. حتی با «مؤسسه پرسش» هم که درس‌گفتارهای ایشان را با عنوان «نقد و بررسی کتاب سرمایه مارکس» در پاییز سال جاری برگزار می‌کند، برای گرفتن شرح‌حالی از ایشان تماس گرفتیم که نتیجه‌ای حاصل نیامد.
۴. البته گفتنی است که گویا این دو انتشارات بیشتر در نام متفاوتند تا در واقع؛ چون وقتی به سایت انتشارات چشمه وارد می‌شویم در بالای صفحه به عنوان انتشارات چشمه/پویه‌نگار برمی‌خوریم که مؤید نظر ماست.
۵. صفحه‌بندی کتاب از همان نخستین صفحه‌ی بعد از جلد آغاز می‌شود و تا صفحه‌ی پیش از جلد هم ادامه دارد، هرچند شماره‌گذاری صفحات کتاب از صفحه‌ی ۶ یعنی از دومین صفحه‌ی مربوط به فهرست کتاب آغاز می‌شود.
۶. گفتنی است اگر کسی روی جلد یا متن کتاب را نخوانده باشد و کتاب را در قفسه‌ی کتاب‌فروشی یا کتاب‌خانه و از روی عطف جلد ببیند و درباره‌اش قضاوت کند، اولاً متوجه نخواهد شد که کتاب پیش‌رویش، جلد چهارم از تاریخ فلسفه راتلج است با عنوان *رنسانس و عقل‌باوری سده‌ی هفدهم*؛ ثانیاً عنوان ناشر نیز چنان مبهم و به صورت تصویری نامفهوم چاپ شده که تا به شناس‌نامه‌ی کتاب مراجعه نکنیم متوجه نام ناشر، یعنی «پویه‌نگار» نخواهیم شد.
۷. بنده در مدت مطالعه برای نقد کتاب، همواره نگران از هم پاشیدن شیرازه‌ی کتاب بودم که سرانجام هم همین اتفاق افتاد.
۸. ص. یا صص. نشانه‌ی صفحه یا صفحات، ب. نشانه‌ی بند (یا پاراگراف) و س. یا سس. نشانه‌ی سطر یا سطرهای.

۹. معادل‌های پیش‌نهادی برای این واژگان، به‌ترتیب عبارتند از: جدید، نوزایی یا نوزایش، تدبیر یا ترفند یا راه‌کار، متعلق یا مابه‌ازاء، دیدگاه یا رأی، الگو، فرضیه، ماده‌انگاری یا ماده‌باوری، تحلیل، ترکیب یا تألیف، ارثماتیقی یا علم حساب، آرمانی، گونه‌ی ادبی؛ گفتنی است که آوردن واژه‌های لاتین در نثر مترجم امری است عادی و آنچه در این مختصر آوردیم، از باب «مشت نمونه‌ی خروار» است.

10. *Exercitationes Paradoxicae Adversus Aristoteleos*

۱۱. نظر به این‌که این کاستی در دو فصل مربوط به دکارت آشکارتر است، نمونه‌ها را از این دو فصل می‌آوریم: رساله‌ی مناظر و مرایا اثر دکارت را جایی به نورشناسی و جایی دیگر به شکست‌نور و رساله‌ی کائنات‌جو را جایی به شهاب‌شناسی و جایی به هواشناسی برگردانده است. قواعد هدایت ذهن جایی به قواعدی برای هدایت عقل، جایی به قواعدی برای جهت‌گیری عقل، و جایی دیگر به‌صورت قواعدی برای جهت‌گیری هوش آمده است.

12 Battle of Agincourt

این نام را اگر به انگلیسی تلفظ کنیم باید آجینکورت بخوانیم و اگر به‌فرانسه، آژنکور. ۱۳. از این نمونه‌ها در ترجمه فراوان است و مترجم به ضبط درست اسامی در هیچ‌زبانی پای‌بند نبوده است تا جایی که بیش‌تر نام‌های ایتالیایی و آلمانی را در دو فصل مربوط به نوزایی با تلفظ انگلیسی ضبط کرده است. این نکته را با نگاهی به گاه‌شمار آغاز کتاب یا به نمایه‌ی اسامی خاص در پایان کتاب می‌توان به‌خوبی دریافت.

۱۴. ممکن است تصور کنیم که مترجم برای آن‌که میان G. و J. اشتباه نشود، به‌جای جی. از ج. استفاده کرده است ولی در خصوص نام J. G. Cottingham می‌بینیم که مترجم بی‌آن‌که از حروف اختصاری استفاده کند، این نام را به جان کاتینگ‌هم برمی‌گرداند و درباره‌ی نام W. Blom که به‌صورت W. بلوم آمده، خواننده‌ی فارسی‌زبان نمی‌داند که W. به‌جای V. آمده یا به‌جای W.

۱۵. انتظار بر این است که مترجم چنین اثری فقط مترجم صرف نباشد، بلکه خود نیز صاحب موضع و نظری در حوزه‌ی تخصصی اثر باشد، تا در مقدمه‌ای که خود بر ترجمه می‌نویسد خواننده را از توانایی و تخصص خود در ترجمه‌ی متن مطمئن سازد و تا اندازه‌ای دست خواننده را در خوانش و فهم اثر بگیرد و تجربه‌ی خود از جریان ترجمه و پشت‌صحنه‌ی ترجمه به خواننده انتقال دهد.

۱۶. معادل‌های پیش‌نهادی برای این اصطلاح «هذائیت»، «انیت» یا «این‌بودگی» است.

۱۷. البته مترجم این اصطلاح را گاهی نیز به‌درستی به مشائی (ص. ۵۸، ۷۳) ترجمه کرده است.

۱۸. ترجمه پیش‌نهادی: «دارم می‌اندیشم پس وجود دارم».

19. AT VII 27; CSM II 18

۲۰. گفتنی است کتاب دکارت اثر کاتینگم را نگارنده مقاله پیش‌رو به فارسی برگردانده و سال ۱۳۹۲ نشر نی منتشر کرده است.

۲۱. چندی از این موارد را در بخش مربوط به «نقد صوری و شکلی» چندی دیگر را در بخش «نقد و بررسی محتوایی» آوردیم.

۲۲. گفتنی است که نگارنده‌ی این نقد، چنان‌که آوردیم افزون بر این‌که مترجم همین مجلد چهارم است، ویراستار جلد نخست همین تاریخ فلسفه با ترجمه‌ی دکتر حسن فتحی از انتشارات حکمت با همکاری مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه نیز می‌باشد و در نوشته‌ی دیگر و البته کوتاه‌تری، ترجمه‌ی آقای مرتضوی را از جلد نخست نیز نقد کرده است. و آنچه در این بند می‌آورد، ماحصل بررسی دقیق و نقادانه‌ی ترجمه‌های ایشان از دو مجلد ۱ و ۴ از این دوره‌ی ده‌جلدی است.

کتاب‌نامه

پارکینسون، ج. اچ. آر. (ویراستار) (۱۳۹۲)؛ تاریخ فلسفه راتلج: رنسانس و عقل‌باوری ساده‌ی هفدهم، جلد چهارم؛ ترجمه‌ی حسن مرتضوی؛ انتشارات پویه‌نگار، چاپ نخست، تهران

پارکینسون، جی. اچ. آر. (ویراستار) (۱۳۹۱)؛ تاریخ فلسفه راتلج: دوره‌ی نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم، ترجمه‌ی سیدمصطفی شهرآیینی، انتشارات حکمت با همکاری مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه، چاپ نخست، تهران

دکارت، رنه (۱۳۸۴)، اعتراضات و پاسخ‌ها، ترجمه‌ی علی موسائی افضلی، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ نخست، تهران

مجیدی، فریبرز (۱۳۸۸)، فرهنگ تلفظ نام‌های خاص، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ دوم، تهران

کاتینگم، جان (۱۳۹۲)، دکارت، ترجمه‌ی سیدمصطفی شهرآیینی، نشر نی، چاپ نخست، تهران.

Baxandall, Michael, (1988) *Painting and Experience in Fifteenth-Century Italy: A Primer in the Social History of Pictorial Style*, Oxford University Press (first published 1972)

Parkinson, G.H.R. (1993), *Rutledge History of Philosophy: The Renaissance and Seventeenth-century Rationalism*, First published 1993 by Rutledge.